

فرصت‌ها، چالش‌ها و علل ازدواج دیرهنگام از منظر مشاوره و روان‌درمانی

مؤلف:
طوبی اسلامی



انتشارات آوای نور
تهران-۱۳۹۹

سرشناسه	: اسلامی، طویی، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	: فرصت‌ها، چالش‌ها و علل ازدواج دیرهنگام از منظر مشاوره و روان‌درمانی / مولف طویی اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات آوای نور، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۵۸۸-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: سن ازدواج
موضوع	: Marriage age
موضوع	: همسرگزینی -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	: Mate selection -- Psychological aspects
موضوع	: زناشویی -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع	: Marriage -- Psychological aspects
رده بندی کنگره	: ۲/۲۵۶۹HB
رده بندی دیویی	: ۳۰۴/۶۰۹۵۵
شماره کتابشناسی	: ۶۱۳۹۱۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید
نظری، پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ شماره: ۶۶۴۸۰۸۸۲

فرصت‌ها، چالش‌ها و علل ازدواج دیرهنگام از منظر مشاوره و روان-
درمانی

مؤلف: طوبی اسلامی

صفحه آرا: فاطمه حامدی

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۵۸۸-۵

کلیه حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است. قیمت ۲۹۰۰۰ تومان

تقدیم به پدر و مادرم

و به وجودی که در حیرت است روزگار از وسعت و مهربانیش ...

تقدیم به همسرم

به تجلی خداوند در زندگی من

و به پسر

که معنا میدهد بودنم را ...

با سپاس فراوان از:

از اساتید بزرگوارم سرکار خانم دکتر الهه حجازی و سرکار خانم دکتر مهرانگیز شعاع

کاظمی

و

مادر عزیزم، خانم رحمتی که در شناساندن تجربه زیسته این زنان کمک شایانی نمودند.

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۰
فصل اول: ازدواج دیر هنگام و مفاهیم وابسته.....	۱۴
تعریف ازدواج.....	۱۵
تعریف ازدواج دیر هنگام.....	۱۵
سن مناسب برای ازدواج.....	۱۶
تغییرات میانگین سن ازدواج زنان.....	۱۷
سن ازدواج و باروری.....	۱۸
تأثیر سن زوجین بر پایداری و رضایت از ازدواج.....	۱۹
عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج.....	۲۰
۱- ۱ مسائل اقتصادی.....	۲۰
۱- ۲ بالا رفتن تحصیلات.....	۲۱
۱- ۳ مضیقه‌ی ازدواج.....	۲۳
۱- ۴ نقش والدین در انتخاب همسر.....	۲۴
۱- ۵ تغییر نگرش و ارزش‌های مطرح در ازدواج.....	۲۵
آثار تأخیر ازدواج جوانان: پیامدهای مثبت و منفی.....	۲۶
ازدواج دیر هنگام و خواستگاه‌های نظری.....	۲۷
نظریه‌های جامعه‌شناسی.....	۲۷
نظریه نوسازی.....	۲۷
نظریه دیکسون.....	۲۸
نظریه‌ی فردگرایی دو توکویل.....	۲۹
نظریه نگوین.....	۳۱
نظریه برابری جنسیتی.....	۳۲
نظریه مبادله.....	۳۲

۳۳ نظریه گیدنز.....
۳۶ نظریه‌های روان‌شناسی.....
۳۶ نظریه فروید.....
۳۶ نظریه برگس.....
۳۷ نظریات اقتصادی.....
۳۷ نظریه‌ی گری بیکر و بکر.....
۳۷ نظریه‌های جمعیت‌شناسی.....
۳۷ نظریه‌ی گذار جمعیتی دوم.....
۴۰	فصل دوم : تجربه زیسته زنان در ازدواج های دیر هنگام.....
۴۱ تجربه‌ی زیسته افراد: پیش از ازدواج.....
۴۱ ۱. عوامل فردی.....
۴۴ ۲. عوامل خانوادگی.....
۴۷ ۳. عوامل زمینه‌ای.....
۴۹ ارتباط با اطرافیان مهم: نگرانی‌ها، فشارها، توصیه‌ها.....
۵۰ تجربه شخصی فرد در رابطه با تصمیم به ازدواج.....
۵۱ دلایل ازدواج.....
۵۱ تمایل به تکامل: از تکامل شخصیت تا انگیزه‌های دینی.....
۵۲ نیاز به همراه و همدم.....
۵۳ شرایط خانوادگی.....
۵۴ تجربه مادر شدن.....
۵۵ نیاز روانی یا ضرورت اجتماعی: نیاز به آرامش و مستقل شدن.....
۵۷ جاذبه‌ی شخصیتی همسر.....
۵۷ نیاز به تغییر.....
۵۸ تجربه شخصی فرد در رابطه با تصمیم به ازدواج.....
۶۰ انطباق همسر با ملاک‌ها: از تطابق کامل تا تفاوت فاحش.....
۶۱ علل انصراف از معیارها.....
۶۲ چشم‌پوشی بر معایب: از ویژگی‌های جسمی تا ویژگی‌های اخلاقی.....

۶۵ نظر والدین نسبت به ازدواج فرزند
۶۶ تجربه‌ی زیسته: زندگی بعد از ازدواج
۶۷ تأثیر ازدواج بر افراد
۶۷ حرکت به سوی هویت زنانه
۶۸ دستیابی به رشد و کمال
۶۹ ارضا نیازهای روانی
۷۱ زمان ازدواج: خشنودی یا عدم رضایت
۷۲ رضایت از انتخاب
۷۴ ازدواج دیر هنگام: فرصت / تهدید
۷۶ فرزند آوری: چالش و فرصت های از دست رفته
۷۷ تاخیر انسجام یافتن زندگی و هدفمندی
۷۸ از دست دادن مزایای جوانی
۷۹ تأهل و مجرد در مقام قیاس
۸۲ سن مناسب ازدواج: سن تقویمی یا رسیدن به رسش
۸۴ جنسیت، مجرد و محیط اجتماعی: تجربه‌ای سخت یا پویا
فصل سوم: نتیجه گیری و ارائه ی راهکار از دیدگاه نظریات مشاوره و رواندرمانی ۹۰	
۹۹ تجربه‌ی زنان به هنگام انتخاب همسر
۱۲۰ پیوست
۱۲۶ منابع

پیشگفتار

یکی از مسائلی که کشور ما طی سالهای اخیر با آن مواجه بوده، ازدواج دیرهنگام است. خانواده های بسیاری در گیر شرایط و مسائل خاص همبسته با ازدواج دیرهنگام هستند. طولانی شدن سالهای مجرد برای یک دختر و خانواده اش نیازهای روانی و اجتماعی خاصی را پدید می آورد. در این شرایط گاه فرد فشارهای زیادی را توسط جامعه و اطرافیان برای انتخاب همسر تجربه می کند؛ به همین دلیل ازدواج در این سنین نیازها و مشاوره های مختص خود را لازم دارد.

از سوی دیگر زمانی که افراد با سن بالاتری وارد زندگی مشترک می شوند، مسائلی راتجربه می کنند که در ازدواج بهنگام کمتر شاهد آن هستیم. مشکلات مرتبط با فرزندان و فرزندآوری، کاهش انعطاف پذیری در تعاملات بین فردی با همسر از جمله این مسائل است. این در حالی است فقدان پژوهش های روانشناسی و مشاوره در این حوزه وجود دارد. لذا پژوهشی با هدف بررسی " تجربه زیسته زنان در ازدواج های دیرهنگام " انجام گرفت.

برای دست یابی به هدف تحقیق و جمع آوری داده ای از روش کیفی استفاده شده است. در این پژوهش به وسیله روش نمونه گیری گلوله برفی، با ۲۱ زن واجد شرایط، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفته است. لازم بذکر است در ابتدای مصاحبه به شرکت کنندگان در پژوهش این اطمینان داده می شد که مشخصات ایشان محرمانه خواهد ماند، لذا در نگارش پژوهش تمامی اسامی به کار برده شده مستعار می باشد (مشخصات افراد مورد مصاحبه و همسرانشان در جدول پیوست کتاب آمده).

جامعه آماری تحقیق؛ کلیه زنان ساکن تهران که تجربه ازدواج دیرهنگام را در ازدواج اول دارند، می باشد. که در بازه ی سنی ۲۹ تا ۵۰ سال بوده و حداقل یک سال از زمان ازدواجشان [تاریخ عقد] گذشته و حاضر به همکاری با پژوهشگر شده اند.

مقدمه

در طول تاریخ زندگی اجتماعی، ازدواج و زناشویی همواره از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل بشر بوده است. ازدواج نقطه آغاز زندگی خانوادگی است و خانواده درعین‌حالی که کوچک‌ترین گروه و سازمان اجتماعی محسوب می‌شود، اساسی‌ترین آن نیز می‌باشد. ازدواج در مقیاس فردی، یکی از سه واقعه مهم زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) است؛ بنابراین در بین مسائل مختلف زندگی، شاید مهم‌ترین و حساس‌ترین رویدادی باشد که برای یک فرد اتفاق می‌افتد (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

ازدواج به افراد کمک می‌کند تا با نیازهای شخصی و اجتماعی سازگار شوند (راتوس و نوید، ۱۳۸۸) و به‌عنوان یک شیوه مجاز، برای ارضا یکی از نیرومندترین نیازهای جسمی و روانی مانند نیاز به دوستی، محبت، احترام و شأن اجتماعی؛ می‌تواند به نحو قابل‌توجهی، ذهن هر فردی را به خود مشغول نماید (بیابانگرد، ۱۳۸۶). نیازهایی که به واسطه ازدواج تامین می‌شوند به شیوه‌های گوناگون زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به طور مثال در نظریه مازلو (۱۹۷۰) افراد برای این که بتوانند خود شکوفا شوند باید نیاز به محبت و تعلق پذیری^۱ خود را ارضا کنند (به نقل از فیست و فیست، ۱۳۸۷). از نظر اریکسون در مرحله جوانی افراد خود را از والدین مستقل کرده و به‌عنوان یک فرد بزرگسال پخته و مسئول انجام وظیفه می‌کنند. در این مرحله افراد روابط صمیمانه دوستی و پیوند جنسی که شامل احساس اهمیت دادن و تعهد می‌شود را برقرار می‌کنند و کسانی که نمی‌توانند چنین صمیمیتی را برقرار کنند، احساس انزوا می‌کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹). همچنین ازدواج باعث می‌شود که افراد سالم‌تر و شادتر باشند، به بیماری روانی کمتر مبتلا شوند و طول عمر بیشتری داشته باشند (ویلسون و اوسوالد^۲، ۲۰۰۵).

کشور ما ایران در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که این امر موجب تغییرات اجتماعی وسیعی در همه‌ی پدیده‌های اجتماعی از جمله مسئله ازدواج و انتخاب همسر شده است (بحرائی و حضرتی، ۱۳۹۱). در سال‌های اخیر سن بلوغ، پایین آمده است اما از عمومیت و میزان ازدواج خصوصا در مناطق شهری کاسته شده و سن ازدواج تحت تأثیر

^۱ Love and belongingness needs

^۲ Wilson & Oswald

عواملی مانند افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان و میزان شهر نشینی در حال بالا رفتن می‌باشد (هزارجریبی، آستین فشان، ۱۳۸۸). می‌توان گفت که حتی کارکرد ازدواج نیز تغییر یافته است. برخلاف جوامع سنتی، دیگر ازدواج وسیله‌ای برای بدست آوردن پایگاه اجتماعی نزد زنان محسوب نمی‌شود (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۳) و به نظر می‌رسد تمایل به پیشرفت‌های شخصی برای بدست آوردن جایگاه اجتماعی نزد برخی دختران اولویت از بالاتری نسبت به ازدواج داشته باشد.

ازدواج سنتی برای برخی جوانان به‌مثابه نوعی ارتجاع و مانعی بر سر راه پیشرفتشان تلقی می‌شود. این در حالی است که بدنه‌ی سنتی جامعه همچنان بر ازدواج به‌منزله‌ی مهم‌ترین عامل هویت‌بخش به‌ویژه برای دختران پافشاری می‌کند (قانع عز آبادی و همکاران، ۱۳۹۲) و این امر باعث می‌شود که دختران در تعارض بین خواسته‌ها و اولویت‌های شخصی خود و انتظارات اجتماعی قرار بگیرند. از سوی دیگر با بالا رفتن سن ازدواج دختران از شانس و احتمال ازدواج آن‌ها کاسته می‌شود (قربانی، ۱۳۸۸) و تأخیر در سن ازدواج گاه منجر به بروز پدیده‌ی تجرد قطعی در آنان می‌گردد که به‌طور خاص فشار اجتماعی را برای دختران به وجود می‌آورد که چه‌بسا در بعضی موارد شخصیت آن‌ها را در معرض تهدید و تخریب قرار دهد (قانع عز آبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

در صورتی‌که ازدواج در سنین بالا نیز اتفاق بیافتد با پیامدهای مختلفی همراه است. از پیامدهای منفی بالا رفتن سن ازدواج می‌توان به افزایش اختلاف سنی میان والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف سلیقه و دیدگاه در میان دو نسل خانواده اشاره کرد (قاسمی اردهایی و همکاران، ۱۳۹۳).

همچنین در صورتی‌که بپذیریم کارکردهای اساسی ازدواج در ایران امروزی به شرح زیر است: ۱. رها شدن از تنهایی ۲. ایجاد و امکان برخورداری از آرامش و تسکین ۳. دستیابی به استقلال فردی ۴. امکان ارضا نیاز جنسی به‌صورت مشروع ۵. کسب هویت و روشن شدن جایگاه اجتماعی افراد؛ لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد با بالا رفتن سن ازدواج، دست‌کم در سال‌هایی که فرد مجرد است، کارکردهای مثبت ازدواج به وقوع نپیوسته است و آثار و تبعاتی (مانند احساس تنهایی، عدم استقلال) برای فرد و جامعه در پی دارد (احمدی، ۱۳۸۹). علاوه بر این هنگامی‌که مسئله ازدواج کردن به تعویق می‌افتد، به علت محافظه‌کاری و افزایش تعداد ملاک‌های افراد، انجام ازدواج مشکل‌تر می‌شود. از سویی

دیگر، پایین بودن میزان ازدواج، باعث کم شدن میزان زادوولد و جمعیت و یا بی تناسب شدن هرم جمعیت در سال‌های آتی خواهد شد (بیابانگرد، ۱۳۸۶). زیرا شیوع ناباروری بعد از ۲۸ سالگی در زنان افزایش می‌یابد (وحیدی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین با بالا رفتن سن بارداری بعضی از عوارض مادری و نوزادی بیشتر می‌شود که این عوارض می‌تواند تهدیدکننده‌ی سلامت هر دو گروه باشد (کشاورزی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین می‌توان گفت بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند عوارض اجتماعی و فردی متعددی داشته باشد و این عوارض می‌تواند زندگی فردی زنان را قبل و بعد از ازدواج تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به این‌که پدیده تأخیر در ازدواج دختران در حال تداوم و تسری است (قربانی، ۱۳۸۸) می‌توان گفت جامعه ما با نیازهای جدیدی در حوزه‌ی مشاوره‌ی ازدواج و خانواده روبه‌رو شده است؛ این در حالی است که اکثر مطالعات داخلی انجام‌شده در زمینه‌ی ازدواج دیرهنگام، در حوزه‌ی جامعه‌شناسی بوده و یا به بیان آمارهای جمعیت‌شناسی بالا رفتن سن ازدواج پرداخته‌اند و با کمبود یا فقدان پژوهش‌های روانشناسی و مشاوره در حوزه‌ی ازدواج دیرهنگام مواجه هستیم.

تنها پس از فهم علل ازدواج دیرهنگام و موانع ازدواج بهنگام نزد افراد می‌توان در راستای کاهش ازدواج دیرهنگام اقدام نمود. همچنین برای توانمندسازی افراد برای مواجهه با مشکلات از قبیل ناباروری و یا مسائلی موجود در روابط زوجین و مشکلات با فرزندان در ازدواج دیرهنگام نیازمند آگاهی‌های عمیق و همه‌جانبه از تجربیات این گروه از زنان می‌باشیم که روش کیفی به خاطر نگاه عمیق، موشکافانه و پدیدارشناسانه‌ای که به مسائل دارد به عنوان مناسب‌ترین ابزار برای گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات شناخته شد، لذا در تحقیق و کتاب حاضر این روش پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است.